

جایگاه سرمایه فکری و نقش انسان در آن از منظر اسلام

zahir.akbari@yahoo.com

ظاهر اکبری / دانشجوی دکتری مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

mtnorozi@yahoo.com

محمدتقی نوروزی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۹ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف سازمان‌ها جمع‌آوری، نگهداری و استفاده بهینه از سرمایه‌های آنهاست. هدف این تحقیق بررسی ماهیت سرمایه فکری و مزایای آن در مقایسه با سرمایه فیزیکی و مادی، همچنین نقش انسان در آن و راه‌کارهای شکوفاسازی سرمایه فکری در منابع اسلامی است. در این تحقیق با روش «توصیفی - تحلیلی» و با الهام از منابع اسلامی آیات و روایات سرمایه فکری به صورت مستدل، تجزیه و تحلیل گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه فکری با مدیریت دانش در ارتباط است. از این رو، می‌توان گفت: سرمایه فکری دانش مفیدی است که از انسان، تولیدگر، پردازش‌گر و انتشار دهنده آن به‌شمار می‌رود. مزایای سرمایه فکری این است که با انفاق و بخشش کم نمی‌شود و در زمان زندگی و مرگ همراه آدمی است و او را بر گذشتن از سختی‌های پس از مرگ و رسیدن به سعادت اخروی نیرومند می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: فکر، سرمایه، دانش، سرمایه فکری، اسلام.

مقدمه

در مدیریت سنتی، سرمایه‌ها (capitals) به امور فیزیکی و مادی (material)، مانند ساختمان، کارخانه‌جات، پول و امکاناتی که در فرایند تولید نقش داشتند، خلاصه می‌شد و عمده تلاش مدیران نیز استفاده بهینه از همین امور بود. اما با ابتکار مدیریت دانش (knowledge management)، مفهوم «سرمایه» گسترش یافت و سرمایه فکری (intellectual) به جمع سرمایه‌های قبلی نه تنها افزوده شد، بلکه اهمیت و جایگاه مهم‌تر و ویژه را به خود اختصاص داد. امروزه اهمیت سرمایه فکری برای یک سازمان نه تنها از این نظر مهم است که فی‌نفسه اعتبار و ارزش ایجاد نموده و به سازمان اعتبار و ارزش می‌بخشد، بلکه در واقع سرمایه فکری بر سایر دارایی‌ها و سرمایه‌های سازمان، تأثیر مثبت و مضاعف می‌گذارد و از مزایای قابل توجهی برخوردارند، به گونه‌ای که اگر برای مدیریت آنها طرح و برنامه‌ای نباشد نه تنها سازمان‌ها خود این سرمایه را از دست می‌دهند، بلکه در تأمین سرمایه‌های فیزیکی و مادی نیز با شکست مواجه می‌شوند. بدین‌روی، می‌توان گفت: به همان میزان که وجود سرمایه فکری برای یک سازمان مهم است، به موازات آن، فقدان سرمایه فکری و استفاده نکردن از آن خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر سازمان و سرمایه‌های فیزیکی و مادی آن نیز خواهد گذاشت.

برای نمونه، پیتدراکر معتقد است که در جامعه پسا سرمایه‌داری، دانش جانشین ابزار، سرمایه، مواد اولیه و نیروی کار جسمانی در فعالیت‌های تجاری خواهد شد. به عبارت دیگر، در آینده، مزیت نسبی یک سازمان وابسته به حجم سرمایه‌های فیزیکی مانند زمین، تجهیزات یا امکانات تولیدی نخواهد بود و خلق ارزش در سازمان‌ها از طریق دارایی‌های ناملموس، که به آن «سرمایه فکری»، می‌گوییم حاصل می‌شود (احمدیان و قربانی، ۱۳۹۲).

پیشینه تحقیق درباره سرمایه فکری، به نحوی با مدیریت دانش گره خورده است. از این نظر می‌توان گفت: سرمایه فکری عصاره‌ای از مدیریت دانش به‌شمار می‌رود که به صورت مستقل کمتر توجه دانشمندان را برانگیخته است. شاید به همین سبب بوده که برخی از پژوهش‌گران در تعریف «سرمایه فکری»، اصطلاح «دانش مفید بسته‌بندی شده» (packaged useful knowledge) را به‌کار گرفته‌اند (زاهدی و لطفی‌زاده، ۱۳۸۶). اصطلاح «سرمایه فکری» را نخستین بار جان کنت گالبرایتدر در ۹۱۹۶ مطرح کرد و پس از وی، محققان دیگر در بسط این اصطلاح، تلاش نمودند.

سرمایه فکری و مدیریت دانش در میان پژوهش‌گران جوامع اسلامی، با استقبال مواجه گردیده است. ترجمه و تألیف کتاب‌ها و مقالات متعدد، برگزاری همایش، تشکیل انجمن، ایجاد پارک‌های علم

و فناوری، همگی نشان از استقبال دانش و سرمایه فکری در جوامع اسلامی دارد. اما با توجه به ظرفیتی که در منابع اسلامی نسبت به سرمایه فکری به طور خاص و مدیریت دانش به صورت عام وجود دارد، دانشمندان مسلمان به تجزیه و تحلیل مدیریت دانش و سرمایه فکری با نگاه اسلامی و بومی توجه شایسته و بایسته‌ای نموده، به الگوسازی و استنباط آن از منابع اسلامی کمتر اقدام کرده‌اند. با مراجعه به منابع اسلامی، می‌توان دریافت که دانش و سرمایه فکری در منابع اسلامی از همان اوایل ظهور اسلام مورد اهمیت و تأکید بوده، امتیازات و برتری‌های آن نسبت به سرمایه فیزیکی و مادی نیز مورد توجه واقع شده است. برای نمونه، در خصوص حضرت سلیمان علیه السلام آمده است که او بین سه چیز (مال، حکومت و دانش)، مخیر شد؛ اما او دانش را برگزید؛ آنگاه حکومت و مال نیز به دنبال اختیار دانش، به حضرت سلیمان علیه السلام اعطا گردید (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵، ص ۴۷۶). همچنین امام علی علیه السلام، در وصف تفکر می‌فرمایند: «طُولُ الْفِكْرِ يَحْمَدُ الْعَوَاقِبَ وَ يُصَلِّحُ الْأُمُورَ»؛ اندیشیدن بسیار (هنگام اقدام به کارها) پایان هر کار را پسندیده می‌سازد، و از تباهی امور جلوگیری می‌کند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۸).

با توجه به اهمیت مضاعف، تأکیدهای مکرر و مزایایی که منابع اسلامی نسبت به سرمایه فکری قایل است، این پژوهش کوشیده است سرمایه فکری را از منظر اسلام، موضوع بحث قرار دهد و مسئله یا مسائل ذیل را از منظر آیات و روایات - که به نوعی جنبه نوآوری این تحقیق محسوب می‌شود - تجزیه و تحلیل کند.

سرمایه فکری چیست؟ آیا سرمایه صرفاً به امور فیزیکی و مادی اختصاص دارد یا «سرمایه» معنای وسیعی دارد که قلمرو آن سرمایه‌های فکری را نیز دربر می‌گیرد؟ سرمایه فکری در مقایسه با سرمایه‌های فیزیکی و مادی از چه مزایایی برخوردار است؟ علل این امتیازها چیست؟ نقش و جایگاه انسان در سرمایه فکری چیست؟ و سرانجام اینکه راهکارهای ارتقای سرمایه فکری و محدودیت‌های آن در رویکرد اسلامی چیست؟

سرمایه چیست؟

در تعریف «سرمایه» (capital) گفته‌اند: «سرمایه» در معنای محدود اقتصادی، عبارت است از: دارایی مادی که در خدمت کسب مستقیم سود به صورت پولی یا جنسی قرار می‌گیرد. «سرمایه» در معنای گسترده، به تمام دارایی مادی، ملموس و غیرملموس یا غیرملموس اطلاق می‌شود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای کسب هدفمند به کار می‌رود (راسخ، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۷۸).

در تعریف «دارایی» نیز گفته‌اند: دارایی چیزی است که به فرد یا مؤسسه‌ای تعلق دارد و در زمان حال یا آینده به صاحب خود، نفع اقتصادی می‌رساند. (زاهدی و الوانی، ۱۳۷۹، ص ۲۱).

با توجه به تعاریف ارائه شده، می‌توان دریافت که امروزه سرمایه به امور فیزیکی و مادی منحصر نبوده، بلکه امور غیرفیزیکی و غیرمادی را هم دربر می‌گیرد که در این میان، می‌توان سرمایه‌های فکری را جزو مهم‌ترین سرمایه‌های یک سازمان به شمار آورد که برای سازمان ارزش و اعتبار ویژه خلق می‌کند. بدین‌روی، مناسب است در ذیل، به انواع سرمایه که با این بحث مرتبط است اشاره شود تا هم عدم انحصار سرمایه در امور مادی و فیزیکی روشن گردد و هم به طور مشخص «سرمایه فکری»، تعریف شود و امتیازات و برتری‌های آن در مقایسه با سرمایه فیزیکی و مادی از منظر اسلام تبیین گردد.

انواع سرمایه

سرمایه انواع گوناگونی دارد که دانشمندان از زوایای گوناگون به آن توجه کرده‌اند مانند سرمایه مادی، سرمایه مالی، سرمایه حیاتی، سرمایه تجربی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه معنوی و سرمایه فکری (مادی، ۱۳۹۴)؛ اما از آن‌رو، که پژوهش حاضر رویکرد مدیریتی دارد و «سرمایه فکری» یک اصطلاح رایج در مدیریت دانش است، همچنین سرمایه فکری در مقابل سرمایه فیزیکی، واضح‌تر تعریف می‌شود، تلاش می‌گردد سرمایه با این رویکرد، موضوع بحث و بررسی قرار گیرد.

الف. سرمایه فیزیکی

مراد از «سرمایه فیزیکی و مادی» سرمایه‌های ملموس و قابل اشاره حسی، مانند ساختمان، دستگاه‌ها، اشیاء و افرادی است که در فرایند تولیدی یک سازمان نقش دارند (برگرون، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

ب. سرمایه فکری

با توجه به تعریفی که از «سرمایه» ارائه شد، می‌توان گفت: «سرمایه فکری» یک واژه ترکیبی (مرکب از سرمایه و فکر) است. بدین‌روی، مناسب است همان‌گونه که «سرمایه» به «هنوع دارایی» تعریف شد، «فکر» نیز از منظر واژه‌شناسی و اصطلاح‌شناسی تعریف گردد.

دانشمندان علم لغت «فکر» را به «اندیشه» تعریف کرده‌اند. از منظر دانشمندان منطق، فلسفه و کلام اسلامی نیز فکر اندیشه‌ای است که با حرکت ذهن از امر معلوم برای رسیدن به امر مجهول و یا از مبادی و مقدمات به مقاصد حاصل می‌شود (سجادی، ۱۳۶۱، ص ۴۴۸).

بدین‌روی، «سرمایه فکری» از منظر دانشمندان مدیریت به نوعی، به سرمایه‌های نام‌شهود سازمان اطلاق می‌شود که در مقابل سرمایه فیزیکی و مادی قرار می‌گیرد. سرمایه فکری دانش، اطلاعات، تجربه، ساختار، روابط و ارزش‌های نهفته در درون یک سازمان است که از اجزا و عناصر ذیل تشکیل شده است:

سرمایه انسانی: سرمایه انسانی شامل دانش و مهارت، تجربه کاری، توانایی‌ها، لیاقت شغلی، روحیه کاری، انعطاف‌پذیری، وفاداری، رضایت، یادگیری و خلاقیت افراد در سازمان می‌گردد.

سرمایه رابطه‌ای: این نوع سرمایه به روابط رسمی، روابط غیر رسمی، شبکه‌های اجتماعی، شرکا، اتحاد و هم‌ستگی، علایم تجاری، اعتماد، شهرت شرکت، وفاداری مشتری، التزام مشتری، شرایط مشترک، تقسیم قراردادها و قرارداد رسمی اشاره دارد.

سرمایه ساختاری: این سرمایه به فرهنگ سازمانی، ارزش‌های شرکت، سرمایه اجتماعی، فلسفه مدیریتی، فرایندها و عادات، فرایندهای رسمی، فرایندها و عادات غیر رسمی، فرایندهای مدیریتی، اموال فکری، نام تجاری، داده و اطلاعات، دانش کدبندی شده، اطلاعات و کپی رایت، و رموز تجاری اطلاق می‌گردد (دستگیر و محمدی، ۱۳۸۸).

در یک تقسیم‌بندی دیگر، سرمایه فکری در دو سطح فردی و سازمانی مطرح شده است. در سطح فردی، سرمایه فکری شامل دانش، مهارت، استعداد و خلاقیت نیروی انسانی و در سطح سازمانی شامل پایگاه داده، فناوری، فرایندهای سازمانی و ارتباطات می‌شود (سپهردوست و مطیعی، ۱۳۹۰).

با توجه به آنچه اشاره شد، می‌توان گفت: سرمایه فکری شامل مجموعه‌ای از دانش، مهارت، فرایندها و دارایی‌های ناملموس مانند علایم‌های تجاری، حق ثبت و بهره‌برداری محصولات و نام‌های تجاری و امثال آن می‌شود که معمولاً در ترازنامه‌های سازمان نشان داده نمی‌شوند (مهرمنش و امینی، ۱۳۹۱، ص ۳۰).

بدین‌روی، مراد از «سرمایه فکری» دانشی کارآمد، مفید و بسته‌بندی شده است (knowledge packaged useful) (زاهدی و لطفی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۴۱). در بیان دیگر، از سرمایه فکری به جمع دانش اعضای سازمان و کاربرد دانش آنها تعبیر شده است (دستگیر و محمدی، ۱۳۸۸).

بر اساس گفتار مزبور، امروزه سرمایه منحصر در امور مادی و فیزیکی، مانند ساختمان، دستگاه‌ها و سایر فرایند تولید نمانده، بلکه «سرمایه» مفهوم عمیق و مصداق وسیع و گسترده‌ای پیدا کرده است که در این میان، سرمایه فکری در مدیریت دانش، یکی از مصداق بارز سرمایه به شمار می‌رود و سرمایه‌های فکری و تأثیرات آنها بر رفتار افراد و فعالیت سازمان روز به روز مورد توجه و تأکید بیشتر

قرار می‌گیرد. از این رو، حساب‌داران سازمان به اندازه‌گیری سرمایه فکری در ترازنامه علاقه‌مندند. متخصصان فناوری اطلاعات در صدد کدگذاری سرمایه فکری در نظام‌های اطلاعاتی‌اند. جامعه‌شناسان سازمان، دوست دارند قدرت را از طریق سرمایه فکری محک بزنند. روان‌شناسان صنعتی می‌خواهند ذهن‌ها و مخزن سرمایه فکری را توسعه دهند. مدیران منابع انسانی تمایل دارند از سرمایه فکری در برنامه‌های آموزش و توسعه منابع انسانی کمک بگیرند (قلیچ لی، ۱۳۸۸، ص ۳۱).

بنابراین، سرمایه فکری یک موضوع هیجان‌انگیز در رشته‌ها و گرایش‌های گوناگون علمی است که فواید بالقوه آن نسبت به سرمایه فیزیکی و مادی بسیار گسترده است و می‌تواند برای هر نوع کسب و کاری مفید باشد؛ زیرا با داشتن سرمایه فکری و معنوی، می‌توان به سرمایه فیزیکی و مادی هم رسید؛ و این در حالی است که فقدان و کمبود سرمایه فکری و معنوی، و سهل‌انگاری و غفلت از آن در منابع اسلامی محرومیت‌های دنیوی و عواقب ناگوار اخروی در پی دارد (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۶).

به سبب امتیازات و اهمیت سرمایه‌های فکری در سازمان، تلاش می‌شود در ذیل، امتیازات سرمایه فکری نسبت به سرمایه فیزیکی و مادی از منظر اسلام ذکر شود.

امتیازات سرمایه فکری بر سرمایه‌های فیزیکی و مادی در منابع اسلامی

در منابع اسلامی، از دانش، که عصاره آن، همان فکر و اندیشه است، به «کنز» (گنج) یاد شده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعِلْمُ كَنْزٌ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۳)؛ دانش گنج است. در کلام دیگر آن حضرت آمده است: «الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ لَا يَفْنَى» (همان)؛ دانش گنج بزرگی است که تمام شدن نیست. همچنین آمده است: «لَا كَنْزٌ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ» (همان)؛ هیچ گنجی پرسودتر از دانش نیست.

«کنز» در واژه‌نامه‌های فارسی و عربی به معنای جمع کردن، حفظ کردن و انباشتن آمده است. در فرهنگ معین آمده است: «گنج» به معنای سرمایه پنهانی و گوهرهای قیمتی مانند طلا و نقره است که در زیر خاک یا جاهای امن دیگر نگهداری می‌شوند (معین، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۳۴۰).

راغب نیز در *المفردات* آورده است: کنز، از «كَانَزْتُ التَّمْرَ فِي الوَعَاءِ» گرفته شده است؛ یعنی انباشتن خرما در ظرف (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲۷).

بنابراین، دانش نیز همانند سرمایه‌های دیگر، یک دارایی و گنجینه پنهان و پوشیده است که قابلیت کسب، نگهداری، انباشتن و انتشار دادن دارد. در تشبیه میان نحوه مواجهه با سرمایه‌های فیزیکی و فکری می‌توان گفت: همان‌گونه که پیش از این بانک‌های اقتصادی تأسیس شده بود تا از سرمایه‌های مادی، فیزیکی و پولی افراد حفاظت کنند، امروزه سازمان‌ها به همین منظور، بانک‌های اطلاعاتی و پارک‌های علم

و فناوری تأسیس می‌کنند تا از سرمایه‌های فکری و ارزش‌های معنوی سازمان‌ها حفاظت و حمایت نمایند و بازار اطلاعات و دانش را رونق ببخشند و روح معنویت را در سازمان‌ها بدمند.

با توجه به آنچه گفته شد، سرمایه فکری نه تنها از این نظر که سرمایه یک سازمان محسوب می‌شود ارزش و اهمیت دارد، بلکه سرمایه فکری از این نظر که اعتبار و ارزش را برای سازمان به دنبال دارد و برای سازمان قدرت پدید می‌آورد، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. در این زمینه، رسول گرامی علیه السلام درباره حضرت سلیمان علیه السلام، فرمودند: «خَيْرَ سُلَيْمَانَ بَيْنَ الْمَالِ وَالْمَلِكِ وَالْعِلْمِ فَاخْتَارَ الْعِلْمَ فَأَعْطَى الْمَلِكَ وَالْمَالَ لِاخْتِيَارِهِ الْعِلْمَ» (نهج الفصاحه، ص ۴۷۶)؛ حضرت سلیمان بین مال و حکومت و دانش مخیر شد، اما او دانش را برگزید؛ آنگاه حکومت و مال نیز به دنبال اختیار دانش به او عطا گردید.

رسول گرامی اسلام علیه السلام، می‌فرماید: «تَنَا صَحْوًا فِي الْعِلْمِ، فَإِنَّ خِيَانَةَ أَحَدِكُمْ فِي عِلْمِهِ أَشَدُّ مِنْ خِيَانَتِهِ فِي مَالِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۸)؛ در دانش، همدیگر را راهنمایی کنید که خیانت هر یک از شما در دانشش سخت‌تر از خیانت وی در مالش است، و خداوند روز قیامت از شما باز خواست می‌کند.

امام علی علیه السلام، در حدیثی، دانش را (که یک سرمایه فکری و معنوی است) با مال (که یک سرمایه فیزیکی و مادی است) مقایسه نموده، به خاطر هفت امتیاز، دانش و سرمایه فکری را برتر از مال و دارایی‌های دیگر معرفی کرده‌اند:

الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَالِ بِسَبْعَةٍ: الْأَوَّلُ أَنَّهُ مِيرَاثُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمَالُ مِيرَاثُ الْفِرَاعَةِ الثَّانِي. الْعِلْمُ لَا يُنْقُصُ بِالنَّفَقَةِ وَالْمَالُ يُنْقُصُ بِهَا؛ الثَّلَاثُ. يَحْتَاجُ الْمَالُ إِلَى الْحَافِظِ وَالْعِلْمُ يَحْفَظُ صَاحِبَهُ؛ الرَّابِعُ. الْعِلْمُ يَدْخُلُ فِي الْكَفَنِ وَالْمَالُ يَبْقَى الْمَالُ؛ الْخَامِسُ. الْمَالُ يَحْضُلُ لِلْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ وَالْعِلْمُ لَا يَحْضُلُ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ؛ السَّادِسُ. جَمِيعُ النَّاسِ يَحْتَاجُونَ إِلَى الْعَالِمِ فِي أَمْرِ دِينِهِمْ وَكَأَيِّحْتَاجُونَ إِلَى صَاحِبِ الْمَالِ؛ السَّابِعُ. الْعِلْمُ يَقْوَى الرَّجُلَ عَلَى الْمُرُورِ عَلَى الصَّرَاطِ وَالْمَالُ يَمْنَعُهُ» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱۰).

امام علی علیه السلام در حدیث فوق، سرمایه فکری یا دانش را نسبت به سرمایه فیزیکی و مادی از هفت جهت برتر و ارزشمندتر معرفی کرده‌اند:

نخست. دانش میراث پیامبران است، ولی مال باقی‌مانده فرعونیان و سرکشان.
دوم. دانش نه تنها با انفاق و بخشش کم نمی‌شود، بلکه افزایش می‌یابد، ولی ثروت چیزی است که با انفاق کاهش می‌یابد.

سوم. ثروت و مال نگرهبان و محافظ نیاز دارد، ولی دانش نه تنها خود به محافظ نیاز ندارد، بلکه صاحبش را نیز محافظت می‌کند.

چهارم. دانش پیوسته، حتی زمان مرگ، در قبر و کفن همراه آدمی است، و حال آنکه ثروت بر زمین می ماند و آدمی را رها می کند.

پنجم. مال برای مؤمن و کافر دست یافتنی است، لیکن دانش گوهری است که تنها برای مؤمن قابل دستیابی است.

ششم. تمامی مردم در امر دین خود به دانشمند نیاز دارند، ولی به صاحب مال نیازی ندارند. هفتم. دانش گوهری است که آدمی را بر گذشتن از سختی های پس از مرگ و رسیدن به سعادت اخروی نیرومند می سازد، و حال آنکه مال آدمی را در عبور از این راه بازمی دارد.

با توجه به فرازهای مزبور از حدیث مبارک امام علی علیه السلام، روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سیره حضرت سلیمان علیه السلام در انتخاب میان ملک، مال و دانش، و همچنین آموزه های دیگری که در منابع اسلامی نسبت به دانش وجود دارد، می توان دریافت که دانش نه تنها یک سرمایه عادی و معمولی در کنار سایر سرمایه های سازمان، مانند ساختمان، وسایل و امکانات دیگر قرار دارد، بلکه دانش یک گنجینه و سرمایه ارزشمند، پایدار و ماندگاری است که می تواند سایر سرمایه های دیگر را در سازمان تحت تأثیر قرار دهد و سازمان را در مسیر فعالیت و میدان رقابت، امور مادی و معنوی و دنیوی و اخروی کمک کند و برای سازمان، قدرت، اعتبار و ارزش ایجاد نماید. در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است: «أَعْلَمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹)؛ دانش قدرت است؛ کسی که آن را داشته باشد غالب است و کسی که ندارد مغلوب است.

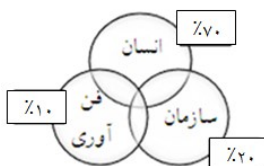
خداوند در قرآن می فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ» (رعد: ۱۶)؛ «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹).

آیات فوق با استفهام انکاری آغاز شده اند؛ یعنی خداوند با انکار عدم تساوی کوری و بینایی، تاریکی و روشنی، نادانی و نادانی، می خواهد از سان را به تفکر وادارد که آیا این امور با هم مساوی اند یا خیر؟ قطعاً کوری با بینایی، نادانی با دانایی، و تاریکی با روشنی برابر نیست. بنابراین، دانش از منظر اسلام، هم ارزش ذاتی دارد و هم ارزش غیری و مقدماتی. دانش از این نظر ارزش ذاتی دارد که - فی نفسه - نور و روشنی است. بدین روی، هیچ انسان عاقلی، تاریکی، ظلمت و جهل را بر نور، روشنی و دانش ترجیح نمی دهد. اما دانش ارزش غیری و مقدماتی نیز دارد؛ زیرا با دانش، می توان به سرمایه های فیزیکی و مادی، اوج قله های کمال، سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت دست یافت که حضرت سلیمان علیه السلام یکی از نمونه های بارز آن است.

علاوه بر آیات و روایات قبلی، احادیث دیگری نیز وجود دارد که به صراحت، به دانش به عنوان سرمایه و گنجینه عظیم و فناپذیر توجه کرده و آن را مورد توجه جدی قرار داده است: رسول اکرم ﷺ می فرماید: «الْعِلْمُ مِيرَاثِي وَمِيرَاثِ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵، ص ۵۸۲). دانش میراث من و میراث پیامبران پیش از من است. امام علی علیه السلام می فرماید: «ثَرْوَةُ الْعِلْمِ تَنْجِي وَتُبْقِي» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۱)؛ ثروت دانش رهایی بخش و ماندگار است. همچنین آن حضرت می فرماید: «الْعِلْمُ وَرَأْتُهُ كَرِيمَةً وَنِعْمَةً عَمِيمَةً» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۰)؛ دانش میراث ارزشمند و نعمت عام و گسترده است. حاصل کلام آنکه با توجه به گزاره‌های تجویزی منابع اسلامی، می توان گفت: از منظر اسلام، اولاً، دانش سرمایه و گنجی فناپذیر است. ثانیاً، این سرمایه را خداوند در درون انسان و فطرت وی نهاده و به او هدیه کرده است. ثالثاً، این سرمایه درونی و فکری انسان قابلیت بهره‌برداری و شکوفایی دارد. اما اینکه چگونه می توان گنجینه و سرمایه فکری را افزایش داد و استعداد انسان را به فعلیت تبدیل کرد، ابتدا جایگاه و نقش انسان را در سرمایه فکری بررسی می کنیم و سپس به راه کارهای شکوفاسازی و سرانجام، به محدودیت‌های این سرمایه از منظر اسلام اشاره می نماییم.

نقش انسان در سرمایه فکری

بر اساس پژوهش‌هایی که دانشمندان انجام داده‌اند، در سرمایه فکری، مؤلفه‌های زیادی نقش دارند که مهم‌تر از همه، می توان به سه مؤلفه «انسان»، «سازمان» و «فناوری» اشاره کرد. از میان مؤلفه‌های سه‌گانه، انسان نقش بی‌بدیلی در سرمایه فکری به عهده دارد؛ زیرا به خاطر برخورداری از استعدادهای خدادادی، دانش را خلق و تولید و پردازش می کند و آن را انتشار می دهد. سازمان‌ها دانش خلق شده توسط انسان را به کار می گیرند و فناوری در فرایند خلق، نگهداری، به کارگیری و انتشار دانش، به انسان و سازمان کمک می کند. این پژوهش‌گران با ترسیم نموداری، سهم مؤلفه‌های سه‌گانه را به صورت ذیل ارائه داده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۶).



همان‌گونه که در نمودار به خوبی نمایش داده شده است، در سرمایه فکری، نقش انسان ممتاز و بی‌بدیل است و هیچ چیز نمی‌تواند در جایگاه او قرار گیرد و یا با او به رقابت پردازد؛ زیرا انسان برخوردار از استعداد و ویژگی‌های جسمی، روحی و معنوی است که هیچ‌یک از منابع سازمان این ویژگی‌ها را ندارند. بدین‌روی، فقط انسان به عنوان یکه‌تاز میدان و بی‌رقیب، فکر مدیر شدن و تصمیم گرفتن و همه‌کاره شدن سازمان را در ذهن خود می‌پروراند و برای تسخیر و تدبیر سایر سرمایه‌ها و منابع سازمان می‌اندیشد و چاره‌جویی می‌کند. باید چنین باشد؛ زیرا منابع دیگر از اداره سازمان‌ها عاجزند، درک و شعور ندارند، و اختیار و تکامل در آنها بی‌معناست. پس باید تمام منابع سازمان مطیع فرمان خلیفه خدا در زمین، یعنی انسان خلاق، عاقل، متفکر، با استعداد و با اراده باشند.

بنابراین، انسان دارای ویژگی‌ها، استعدادها و قابلیت‌هایی است که موجودات دیگر فاقد آنهایند. در ذیل، به اختصار، به نقش انسان در ارتباط با سرمایه فکری از منظر اسلام اشاره می‌شود:

تولید فکر و اندیشه

تولید اندیشه و تهیه خوراک فکری سازمان‌ها از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد انسان به شمار می‌رود؛ زیرا انسان معدن فکر و اندیشه است، و انتظار خلق فکر و تولید اندیشه از هر موجودی جز انسان، یک انتظار نابجاست. فیلسوفان، متکلمان و منطق‌دانان نخستین تعریف و فصل‌میز انسان از نباتات و حیوانات و سایر موجودات دیگر را «نطق» و «فکر» می‌دانند؛ یعنی انسان موجودی است متفکر و اندیشمند که با تأملات ذهنی و خلق اندیشه، قادر است مسائل مجهول را با استفاده از امور معلوم کشف کند (سجادی، ۱۳۶۱، ص ۴۴۸).

قرآن کریم، که اولین، مهم‌ترین و جامع‌ترین منبع کشف و استنباط معتبر معارف اسلامی است، انسان را موجودی متفکر و اندیشمند معرفی می‌کند. برای نمونه، آخرین قسمت بسیاری از آیات قرآن، انسان را به تفکر دعوت کرده است. این آیات بیانگر این واقعیت‌اند که انسان موجودی است که با استفاده از فکر و اندیشه می‌تواند مصالح زندگی خود را تشخیص دهد؛ به عواقب کاری که انجام می‌دهد فکر کند؛ و از پیامد و آثار آن عبرت بگیرد. در قرآن کریم مکرر آمده است: «انَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (رعد: ۳؛ زمر: ۴۲؛ جاثیه: ۱۳). همچنین برخی آیات دیگر وقتی واقعیتی را بیان می‌کنند، در پایان می‌فرمایند: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (حشر: ۳)؛ یا در عواقب و عبرت از انجام کار مجرمان می‌فرماید: «فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل: ۶۹)؛ عبرت بگیرید که فرجام کار مجرمان چگونه بوده است. قرآن، تفکر نکردن را از ویژگی‌های اهل جهنم برشمرده است؛ زیرا آنان از توانایی‌های ادراکی،

بینایی، و شنوایی خود استفاده نکردند و به عواقب امور خود نیندیشیدند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَأَن لَّمْ يَسْمَعُوا بَلْ هُمْ صُمٌّ» (اعراف: ۱۷۹).

بنابراین، از منظر قرآن، تفکر نکردن از ویژگی‌های اهل جهنم، و در مقابل، تفکر از ویژگی‌های اهل هدایت معرفی شده که خداوند به آنها بشارت داده و آنان را «خردمندان عالم» یاد کرده است: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۷-۱۸)؛ بندگانم را بشارت ده؛ آنان که چون سخنی بشنوند به نیکوترین وجه عمل کنند، آنان هستند که خداوند به لطف خاص خود، هدایتشان نموده و هم‌آنان به حقیقت، خردمندان عالم‌اند.

علاوه بر آیات، روایاتی که از پی‌شویان دینی وارد شده نیز از انسان را معدن دانش، فکر و اندیشه معرفی کرده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵، ص ۴۲۲)؛ مردم معدنی هستند؛ همانند معدن‌های طلا و نقره. همچنین امام علی علیه السلام انسان‌ها را برای خلق اندیشه، به تفکرات درونی خود تشویق نموده‌اند:

لَيْسَ الْعِلْمُ فِي السَّمَاءِ فَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ، وَ لَا فِي الْأَرْضِ فَيَصْعَدُ إِلَيْكُمْ، بَلْ مَخزُونٌ مَكْنُونٌ فِي قُلُوبِكُمْ، تَخْلَقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ يَظْهَرُ لَكُمْ (سلیمانی آشتیانی و درایتی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸).

دانش نه در آسمان است که بر شما نازل شود، و نه در زمین تا برایتان بیرون آید، بلکه دانش در دل‌هایتان سرشته شده است. متخلق به اخلاق الهی گردید تا بر شما آشکار گردد.

بنابراین، اولین و مهم‌ترین نقش انسان در سرمایه‌فکری، تولید فکر و اندیشه است. انسان با مرور وضعیت گذشته، بررسی وضعیت حال، همچنین با نگاهی به افق آینده، به تفکر می‌پردازد و با استفاده از دانسته‌ها و معلومات خود، مسائل مجهول را کشف می‌کند. انسان موجودی سرشار از تحرک و فعالیت فکری است که تولید فکر و اندیشه، جولان ذهنی و فکر توانمند او را از جوشش فرو نماند، آرام نمی‌سازد، بلکه او همچنین به پردازش، سازمان‌دهی و دسته‌بندی اندیشه‌های تولید شده خود نیز اقدام می‌کند.

پردازش فکر و اندیشه

یکی دیگر از نقش‌های انسان در سرمایه‌فکری، پردازش فکر و اندیشه است؛ به این معنا که انسان پس از جمع‌آوری و تولید اندیشه، به تجزیه، تحلیل و طبقه‌بندی آن نیز مشغول می‌شود و به نحوی، به غربالگری و تشخیص اندیشه درست از نادرست اقدام می‌کند. نقش پردازش انسان در سرمایه‌فکری، از آن نظر اهمیت دارد که هر تفکر و اندیشه‌ای انسان را به سعادت و کمال نمی‌رساند. فکری انسان را به سعادت واقعی می‌رساند که در جهت دستورات الهی قرار بگیرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تَفَكَّرُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ وَ لَا تَفَكَّرُوا

فِي اللَّهِ فَاِنَّكُمْ لَنْ تَقْدِرُوا قَدْرَهُ». دربارهٔ خلق خدا فکر کنید و از تفکر در ذات خدا بپرهیزید؛ زیرا شما با علم محدود خود، توان درک خدای نامحدود را ندارید. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است:

«مَا يَكُونُ مِنْهُ وَفِيهِ الْفَسَادُ مُحْضًا وَلَا يَكُونُ فِيهِ وَلَا مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ وَجْهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَتَعْلَمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَآخِذٌ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَجَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وَجْهِ الْحَرَكَاتِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۸۵).

آنچه از آن و در آن فقط فساد است و هیچ اثری از صلاح در آن و از آن نباشد، یاد دادن و یاد گرفتن و عمل به آن و مزد گرفتن بر آن و همه تصرفات دیگر، از هر نوع که باشد، حرام است.

بنابراین، از منظر اسلام، انسان قدرت پردازش افکار مختلف (درست و نادرست) را دارد که نقش جهت‌دهندگی و هدایتگری آموزه‌های اسلامی نیز این حقیقت را آشکار می‌کند. بدین‌روی، همان‌گونه که آموزه‌های اسلامی از انسان را به تفکر فراخوانده، مانع خردورزی وی نشده است، نسبت به فرورفتن در تفکرات انحرافی که موجب شقاوت، عذاب و پشیمانی انسان گردد، هشدار داده و از آن نهی کرده است.

انتشار فکر و اندیشه

از منظر اسلام، اندیشه و دانشی را که انسان به‌عنوان سرمایه و میراث گران‌بها به دست می‌آورد، باید در اختیار دیگران قرار دهد، و به انتشار و ترویج اندیشه و استفادهٔ دیگران از آن پردازد. امام علی علیه السلام در ترغیب انتشار فکر و اندیشه می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ مِيرَاثُهُ الدَّفَاتِرُ وَ الْمَحَابِرُ وَ جَبَّتْ لَهُ الْجَنَّةُ»؛ کسی که بمیرد و میراثش دفتر و دوات باشد، بهشت بر او واجب می‌شود (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۶).

مهم‌ترین ویژگی میراث این است که با مرگ صاحبش به صورت قهری، به نسل‌های بعد منتقل می‌گردد؛ و چه زیباست که از انسان با تأسی از انبیا و پی‌شویان الهی، در زمان حیات خود، آگاهانه و با قصد قربت و کمک به هموعان، فکر و اندیشهٔ خود را در اختیار دیگران قرار دهد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله از دانش به‌عنوان میراث خود و میراث پیامبران الهی یاد کرده‌اند: «الْعِلْمُ مِيرَاثِي وَ مِيرَاثُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۵، ص ۵۸۲)؛ دانش میراث من و میراث پیامبران پیش از من است.

خداوند از انسان به خاطر حمل امانت الهی تمجید نموده است: «أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب: ۷۲)؛ ما امانت خویش را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم که نپذیرفتند آن را بردارند و از آن ترسیدند، و انسان آن را برداشت.

امانت الهی در آیهٔ فوق و اینکه مصداق «امانت» چه بوده، میان مفسران بحث مفصلی دارد؛ اما نکتهٔ مهم و قابل توجه این است که در مدیریت دانش و سرمایهٔ فکری، اگر انسان امین نباشد، در فرایند مدیریت دانش، مانند کسب، نگهداری و همچنین حمل و انتقال اندیشه به دیگران، از هیچ خیانتی مصون

نخواهد ماند؛ از تولید اندیشه تا انتشار آن به دیگران، گرفتار تحریف، گران فروشی و حتی امتناع خواهد شد. به سبب اهمیت خلق و انتشار اندیشه، رسول گرامی ﷺ می فرماید: «تَنَا صَحْوًا فِي الْعِلْمِ؛ فَإِنَّ خِيَانَةَ أَحَدِكُمْ فِي عِلْمِهِ أَشَدُّ مِنْ خِيَانَتِهِ فِي مَالِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۸). از منظر اسلام، اندیشه و تفکر باید انتشار یابد و کتمان نگردد. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «كَانَتِ الْعِلْمُ يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحُوتِ فِي الْبَحْرِ وَالطَّيْرِ فِي السَّمَاءِ» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۵ ص ۶۰۳): پنهان کنندگان دانش را همه چیز، حتی پرندگان آسمان و ماهیان دریا، لعنت می کنند. بنابراین، کسی که دانش نصیبش گشته باید شکرگزار الهی باشد، به دانش خود عمل کند، و دانش فراگرفته را به دیگران ببخشد. حضرت علی ﷺ می فرماید: «شُكْرُ الْعَالِمِ عَلَى عِلْمِهِ عَمَلَةٌ بِهِ وَبَدَلُهُ لَهُ سِتْرَةٌ» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۸). سپاس گزاری دانشمند این است که به دانش خود عمل کند و آن را به افراد مستحق ببخشد و انتشار دهد.

بدین روی، می توان گفت: از منظر اسلام، انسان موجود متفکری است که هم در تولید سرمایه فکری و هم در پردازش و انتشار آن نقش اساسی و بی بدیلی ایفا می کند. انسان موجود مستعدی است که می توان استعداد نهفته وی را آشکار و شکوفا کرد و با شکوفاسازی استعداد انسان، از سرمایه فکری استفاده بهینه نمود. اما مسئله این است که راه کار شکوفاسازی استعداد انسان در بخش تولید، پردازش و انتشار فکر و اندیشه و به عبارت دیگر، راه کار تبدیل این استعداد به فعلیت چیست؟ پاسخ و بررسی این مسئله در ذیل خواهد آمد:

شکوفاسازی سرمایه فکری

از منظر منابع اسلامی، علم مطلق و سرمایه اصلی و واقعی همگی از آن خداست؛ یعنی همان گونه که خود انسان تجلی وجود الهی است، دانش، سرمایه، فکر و اندیشه او نیز تجلی نور و دانش الهی است که بر قلب انسان نازل می شود (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶). خداوند هر چند آگاهی های اولیه، مورد نیاز و ضروری را به طور غریزی و فطری در وجود انسان به ودیعت نهاده، اما زمینه ارتقا و افزایش آن را نیز تعبیه کرده است. بنابراین، انسان موجود مستعدی است که توان شناخت و دانش محدود وی با گذر زمان، افزایش می یابد و استعداد وی شکوفا می شود و به فعلیت تبدیل می گردد.

سؤال جدی و مهم این است که چگونه می توان دانش نهفته در وجود انسان را ارتقا و افزایش داد؟ به عبارت دیگر، چگونه می توان استعداد انسان، سرمایه فکری و دانش واقعی او را شکوفا کرد و به بهره برداری رساند؟ در این ارتباط، می توان گفت: شکوفاسازی استعداد و راه کارهای تبدیل دانش پنهان

به آشکار، هرچند هم در دانش بشری مطمح نظر دانشمندان قرار گرفته و هم در منابع اسلامی به آن اشاره شده، اما نکته مهم این است که این دو نظرگاه (علوم انسانی و علوم دینی)، هم در روش شکوفا سازی استعداد و هم در اهدافی که از افزایش دانش انسان دارند، دو رویکرد متفاوت به شمار می‌روند که در ذیل تبیین می‌گردد:

در رویکرد مطالعات انسانی، دانشمندان معتقدند: یادگیری در ذات و سرشت آدمی است. انسان در ذات خود، علمی می‌اندیشد و استعداد پیچیده را، که از بدو تولد با خود به همراه دارد، در صورتی که شرایط و محیط برایش فراهم باشد، به کار می‌گیرد و با طبقه‌بندی و سازمان‌دهی، می‌تواند ساختار ذهنی خود را سامان دهد و استعداد خود را شکوفا سازد. بدین‌روی، از مهم‌ترین راه‌های شکوفا سازی این استعداد، آموزش، تربیت و تمرین است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰).

اهداف رویکرد مطالعات انسانی از افزایش دانش و تبدیل دانش پنهان به آشکار، عمدتاً رفاه، امنیت و افزایش سود است و چشم‌اندازی بالاتر از آن را برای دانش بشر و تکامل انسان ترسیم نکرده و نتوانسته‌اند ترسیم کنند.

در رویکرد مطالعات اسلامی، خداوند، هم خالق انسان و هم شکوفاکننده استعداد و جهت‌دهنده افکار اوست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ» (مصباح‌العشیره علیه السلام ص ۱۶)؛ دانش نوری است که خداوند آن را در دل هر که بخواهد می‌افکند. بنابراین، شایسته و بایسته است که برای رشد و هدایت انسان، از نسخه‌های تجویزی خداوند، انبیا و جانشینان او در تمام زمینه‌ها و از جمله شکوفایی استعداد انسان و تبدیل دانش پنهان به آشکار استفاده گردد؛ زیرا هیچ طبیب حاذقی نسخه‌ای شفاف‌بخش‌تر از خالق و آفریننده هستی‌بخش تجویز نمی‌کند. پس نسخه او علاج هر درد و راهنمای هر جست‌وجوگری به سوی کمال است. بنابراین، برای رسیدن به راه‌کار تبدیل دانش پنهان به آشکار از منظر اسلام، در ذیل، احادیث مرتبط ارائه و با استفاده از آنها، نتایج نیز تبیین می‌گردد.

- حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ لَا يَفْتَنُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۳)؛ دانش گنج بزرگی است که پایانی ندارد.

- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «النَّاسُ مُعَادِنٌ كَمُعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵، ص ۴۲۲)؛ مردم معادنی هستند؛ همانند معادن طلا و نقره.

- امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَ الْعِلْمُ فِي السَّمَاءِ فَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ، وَ لَا فِي الْأَرْضِ فَيَصْعَدُ إِلَيْكُمْ، بَلْ مَخزُونٌ مَكْنُونٌ فِي قُلُوبِكُمْ؛ تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ يَظْهَرُ لَكُمْ» (سلیمانی آشتیانی و درایتی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸)؛ دانش

نه در آسمان است که بر شما فرود آید و نه در زمین تا برایتان بیرون آید، بلکه دانش در دل هایتان سرشته شده است. متخلق به اخلاق الهی گردید تا بر شما آشکار گردد.

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه‌هایشان فرمودند: «قَبَعَتْ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَ وَاتَرَّ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثْلَ فِطْرَتِهِ وَيُدْكَرُوهُمْ مَنَسِي نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالْبَلْبَلِغِ وَيُثِيرُوا لَهُم دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۹ق، خ ۱)؛ خداوند رسولان خود را پی‌درپی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت خدا را بر آنها تمام کنند و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند.

احادیث مزبور هر کدام - به ترتیب - به نکات مهم ذیل اشاره کرده‌اند:
یکم. دانش گنجینه‌ای عظیم و سرمایه‌ای بی‌پایان است.

دوم. انسان معدن دانش است.

سوم. شکوفاسازی استعداد انسان نیاز به لطف الهی و صفای باطنی انسان دارد.

چهارم. توانمندی‌های انسان در پرتو اطاعت از خدا و با بعثت انبیا به فعلیت تبدیل می‌گردد.

برای توضیح مطالب فوق و نتیجه روشن‌تر، باید اضافه کرد که از منظر اسلام، دانش و عمل، با هم رابطه دوطرفه دارند؛ یعنی دانش انسان را به ایمان و عمل صالح و خالصانه دعوت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷۱)، و در مقابل، عمل صالح، موجب افزایش دانش انسان می‌گردد (همان، ج ۴۰، ص ۱۲۸). از رابطه هماهنگ و تعاملی این سه مؤلفه (دانش، ایمان و عمل صالح)، انسان به سعادت، کمال و قرب الهی نایل می‌شود. بدین‌روی، با در نظر گرفتن و تعامل این سه مؤلفه، استعداد انسان شکوفا می‌گردد.

در این‌باره شهید مطهری می‌نویسد:

علم و ایمان، متمم و مکمل یکدیگرند. علم نیمی از ما را می‌سازد و ایمان نیمی دیگر را هماهنگ با آن. آنجا که علم و معرفت نیست، ایمان مؤمنان نادان و سیله‌ای می‌شود در دست منافقان زیرک، که نمونه‌اش را در خوارج صدر اسلام و در دوره‌های بعد، به اشکال مختلف دیده و می‌بینیم. علم بدون ایمان نیز تبغی است در کف زنگی مست؛ چراغی است در نیمه شب در دست دزد برای گزیده‌تر بردن کالا. علم به ما روشنایی و توانایی می‌بخشد و ایمان عشق و امید و گرمی. علم ابزار می‌سازد و ایمان مقصد. علم سرعت می‌دهد و ایمان جهت. علم توانستن است و ایمان خوب خواستن. علم وجود انسان را به صورت افقی گسترش می‌دهد و ایمان به شکل عمودی بالا می‌برد (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۶).

ایشان در جای دیگر، ضمن بیان این مطلب، که علم حقیقتاً مقدس است و دانش در محیط بی‌ایمانی، غریب و بیگانه است، در توضیح حدیث «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ يَطْلُبُهَا اَيْنَمَا وَجَدَهَا فَهُوَ اَحَقُّ بِهَا»

(طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵). می‌نویسد: «جای علم آن خانه‌ای است که ایمان هم آنجا هست. اگر علم را در خانه هرکسی دیدید- ولو در دست مشرک- بگیری؛ زیرا دانش در دست او عاریه است» (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲۲، ص ۴۶۱).

در خصوص رابطه دوسویه دانش و ایمان، دانشمندی دیگری گفته است:

ایمان درجات متفاوتی دارد. کسی که ایمان به حضور همه‌جانبه خداوند داشته باشد، کوچک‌ترین گناه را در پیشگاه ربوبی شرمندگی و شرمساری می‌بیند. آدم‌هایی که علم به مضرات الککل دارند ولی بازهم الککل مصرف می‌کنند، دلیلش این است که این افراد ایمان ندارند؛ یعنی علم به مضرات الککل در قلب آنها رسوخ و نفوذ نکرده است. اسلام به دنبال دانشی است که در قلب انسان رسوخ و نفوذ کند (نصری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶).

حاصل کلام آنکه اسلام توصیه می‌کند همراه ساختن ایمان و عمل صالح در پرتو اطاعت از اوامر و نواهی خداوند، انبیا و پیشوایان دینی یکی از بهترین راه‌های شکوفاسازی استعداد انسان‌هاست. اما اینکه آیا ممکن است انسان‌های عادی (غیر از معصومان) بتوانند به تمام امور دنیوی و اخروی علم پیدا کنند و استعدادشان تا آنجا شکوفا شود که از علوم و امدادهای غیبی بی‌نیاز گردند؟ این مسئله نیازمند تحقیق جداگانه و گسترده دیگری است که در ذیل، تنها به اختصار به آن اشاره می‌شود:

محدودیت‌های سرمایه فکری

نکته یا نکته‌های مهمی که در دانش انسان و سرمایه فکری سزاوار تذکر است این است که هرچند انسان خودآگاه و بصیر است و نسبت به موجودات دیگر، توان تدبیر دارد و گل سرسبد آفرینش به شمار می‌آید که خداوند از نظر دانش، عقل و خرد، به انسان توجه ویژه‌ای نموده و از نظر رفتاری و کمال نیز اوج فضایل و عالی‌ترین مقام کمال و قرب را برای انسان به تصویر کشیده است، اما انسان نباید فراموش کند که فقط به محدوده خاصی از دانش دست می‌یابد. انسان همیشه و پیوسته از نظر فیزیکی و فکری، محتاج راهنمایی‌ها و الطاف خداوند، پیامبران و پیشوایان دینی است و به تناسب تلاش علمی، ایمان و عمل صالح، می‌تواند به دانش حقیقی و کمال واقعی دست پیدا کند.

مراتب داشتن دانش انسان و محدودیت آن واقعیتی است که هم خداوند، هم اولیای الهی و هم دانشمندان اسلامی به آن توجه کرده و تذکرات خود را نسبت به محدودیت‌های دانش و سرمایه فکری انسان داده‌اند. برای نمونه، در ذیل، فهرست‌وار برخی از آنها تبیین می‌گردد:

خداوند متعال، که خالق و آفریننده انسان است، در ارتباط با محدودیت دانش انسان می‌فرماید: «وَأَوْتَيْنَاكَ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵)؛ آنچه از دانش به شما انسان‌ها روزی شده بسیار اندک است.

همچنین حضرت علی علیه السلام در محدودیت دانش و سرمایه‌های نهفته در درون انسان، می‌فرماید: اگر انبیا نبودند فطرت انسانی انسان بیدار نمی‌شد و خرد دهن شده انسان شکوفا نمی‌گردید. (نهج البلاغه، ۱۳۸۹، خ ۱). مفسر بزرگ شیعه، علی بن ابراهیم قمی، نیز درباره محدودیت دانش انسان گفته است: «أَنَّ الْعِلْمَ الْإِنْسَانِيَّ الْمُتَرَقِّيَّ يَفْهَمُ أَحْيَانًا بَعْضَ الْأَسْرَارِ الْمُوَدَّعَةِ فِيهِ» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۸)؛ دانش انسان هر قدر هم ترقی کند، بعضی از اسرار را درک می‌کند.

علاوه بر نکات مزبور، مطالعاتی که در زمینه ظرفیت پردازش اطلاعات انسان در خصوص مغز، ذهن و فرایند ورودی (چشم، گوش، بینی و مانند آن) و واحد پردازش ذهنی و حافظه، همچنین خروجی‌ها (حرکتی، کلامی، نوشتاری و مانند آن) انجام شده سهم قابل توجهی از پردازش اطلاعات و دانش را به انسان نسبت داده‌اند؛ اما با وجود این دانشمندان به نقص دانش و محدودیت پردازش حافظه و ذهن انسان در اطلاعات اعتراف کرده‌اند (رضاییان، ۱۳۸۲).

با توجه به آنچه اشاره شد، هر چند از انسان نقش مؤثر و مهمی در مدیریت دانش و سرمایه‌های فکری دارد، اما با وجود این، دانش و استعداد انسان تا محدوده خاصی قابلیت رشد و شکوفایی دارد که در این میان، نباید نبوغ و خلاقیت‌های ذهنی انسان سبب شود از علم مطلق الهی غفلت کند و خود را با انبیا و اولیای الهی مقایسه نماید و با عصیان، طغیان و بی‌نیازی، خود را در سراشیبی سقوط قرار دهد و از سعادت و کمال حقیقی محروم گردد.

به‌طور کلی، به سبب ذومراتبی بودن دانش انسان و همچنین محدود بودن افرادی که توان و استعداد یا نبوغ بالاتری دارند کشورهای استعمارگر، همان‌گونه که منابع و سرمایه‌های مادی و فیزیکی برخی کشورهای دیگر را به غارت می‌برند، همواره می‌کوشند منابع فکری و سرمایه‌های انسانی کشورهای دیگر را نیز به سوی خود جذب کنند و از استعداد و فکر آنها استفاده کرده، کشورهای مبدأ را از منابع و سرمایه‌های فکری تهی سازند و سرانجام، از هر نظر محتاج و وابسته به خود سازند. بدین‌روی، مدیریت سرمایه‌های فکری از اولویت‌های اساسی کشورها و سازمان‌های دانش بنیان است که بجاست برای مدیریت، ارتقا و نگه‌داری آنها چاره‌اندیشی شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

«سرمایه فکری»، عصاره دانش است که از آن به «دانش مفید بسته‌بندی شده» تعبیر می‌شود. این دانش و سرمایه محصول ذهن و استعداد خدادادی انسان است، و هیچ موجود و مخلوقی را سزاوار مقایسه با انسان نیست، زیرا انسان با افعال اختیاری خود، کمالاتی را کسب می‌کند و عنوان اشرف مخلوقات و

گل سرسبد آفرینش را به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین، انسان تولیدگر، پردازشگر و انتشاردهنده فکر و اندیشه با استفاده از دانش و اندیشه خود، به تدبیر و اداره سازمان‌های بزرگ و کوچک و تسخیر موجودات دیگر می‌پردازد.

تمام امتیاز و اعتبار انسان به نیروی درونی او، یعنی عقل، شعور و منطق و به عبارت دیگر، اندیشه و تفکر نهفته او است. تفکر و اندیشه انسان ارزشمندترین سرمایه فردی و سازمانی سازمان‌ها به شمار می‌رود که در مقایسه با سرمایه‌های فیزیکی و مادی، از امتیازات و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و از همین روست که مدیریت سرمایه‌های فکری امروزه به هیجان‌انگیزترین موضوعات مدیریتی تبدیل شده و توجه سازمان‌های دانش‌بنیان را به خود جلب کرده است.

دانش و سرمایه فکری از منظر اسلام، میراث پیامبران الهی است که با انفاق و بخشش کم نمی‌شود؛ و سرمایه‌ای است که در زندگی و مرگ همراه آدمی است. سرمایه فکری چنان اعتبار و قدرتی برای افراد و سازمان‌ها ایجاد می‌کند که تمام مردم خود را محتاج آن دانسته، تأمین نیاز خود را مرهون آن می‌دانند. از منظر اسلام، دانش گوهری است که انسان را بر گذشتن از سختی‌های پس از مرگ و رسیدن به سعادت اخروی نیرومند می‌سازد. بدین‌روی، می‌توان به این نتیجه رسید که سرمایه فکری یک سازمان نه تنها از یک جهت، بلکه از جهات متعدد بر سرمایه فیزیکی و مادی برتری و اهمیت دارد، و سازمان‌هایی که به دنبال تعالی و توسعه خود هستند نیز باید برای تحقق اهداف خود، از این رهگذر تلاش کنند؛ زیرا با سرمایه فکری، هم سرمایه‌های فیزیکی و مادی به دست می‌آید و هم قدرت، توان، اعتبار و ارزش سازمان‌ها افزایش می‌یابد. علاوه بر امتیازات مذکور، این سرمایه قابلیت کشف، بهره‌برداری و شکوفاسازی نیز دارد.

شکوفاسازی و ارتقای اندیشه انسان از منظر اسلام، البته به این معنا نیست که او بر تمام حقایق جهان غیب و شهود احاطه پیدا می‌کند و با دانش محدود خود، به امور نامحدود دست می‌یابد و رازهای نهان دنیا و آخرت را کشف می‌کند، به گونه‌ای که از دستورات دینی بی‌نیاز گردد؛ زیرا از منظر اسلام، انسان موجودی است که همواره محتاج الطاف بی‌کران الهی است که در عرصه‌های گوناگون باید او انسان را نصرت و هدایت کند. بنابراین، به موازاتی که انسان به دستورات الهی متعهد باشد، به همان میزان، جلوه‌های نور و دانش الهی بر قلب انسان می‌تابد. بدین‌روی، «علم»، «ایمان» و «عمل صالح» سه مؤلفه اساسی و مکمل شکوفاسازی استعداد انسان به شمار می‌روند که با یکدیگر رابطه تعاملی و دوسویه دارند.

منابع

- نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۵، ترجمه غلامحسین مجیدی خوانساری، قم، انصاریان.
- نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹، ترجمه محمد دشتی، چ چهارم، قم، تحقیقاتی امیرالمومنین.
- ابن ابی‌الحدید و عبدالحمید بن هبه‌الله، ۱۴۰۴، شرح نهج‌البلاغه، قم، مدرسه آیت الله مرعشی نجفی، احمدیان مجید و رحیم قربانی، ۱۳۹۲ «بررسی رابطه بین سرمایه‌فکری و عملکرد سازمانی، مجله اقتصادی، ش ۱۱، ص ۱۱۱-۱۳۰.
- امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۹ق، مصباح الشریعه، بیروت، اعلمی.
- برگرون، برایان، ۱۳۸۶، مبانی مدیریت دانش، ترجمه محمد قهرمانی و سیدمحمد باقری، تهران، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وابسته به وزارت نیرو.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۴۱۰ق، غرورالحکم و دررالکلم، تصحیح سیدمحمد رجایی، چ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- جمعی از نویسندگان زیر نظر صالحی امیری، ۱۳۹۰، مجموعه مقالات مدیریت دانش، چ دوم، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- دستگیر، محسن و کامران محمدی، ۱۳۸۸، «سرمایه‌فکری گنج تمام نشدنی»، تدبیر، ش ۲۱۴، ص ۲۸-۳۴.
- راسخ کرامت‌الله، ۱۳۹۱، فرهنگ جامع جامعه‌شناسی و علوم انسانی، جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دارالقلم.
- رضاییان، علی، ۱۳۸۲، «انسان پردازش‌گر اطلاعات»، پیام مدیریت، ش ۵ و ۶، ص ۱-۲۴.
- زاهدی، سیدمحمد و فرشته لطفی‌زاده، ۱۳۸۶، «ابعاد و الگوهای اندازه‌گیری سرمایه‌فکری»، مطالعات مدیریت، ص ۴۰-۶۴.
- زاهدی، شمس‌السادات و سید مهدی الوانی، ۱۳۷۹، فرهنگ جامع مدیریت، چ دوم، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سپهر دوست، حمید و شبیر مطیعی، ۱۳۹۰، «نقش سرمایه‌فکری در عملکرد شرکت‌های بورس اوراق بهادار ایران»، سیاست‌های اقتصادی، ش ۱، ص ۱۳۱-۱۴۴.
- سجادی، جعفر، ۱۳۶۱، فرهنگ علوم عقلی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- سلیمانی آشتیانی و مهدی و محمد درایتی، ۱۳۸۷، مجموع رسایل در شرح احادیثی از کافی، قم، دارالحدیث.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ۱۴۰۹ق، منیه المرید، تصحیح رضا مختاری، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- طوسی، محمدبن الحسن، ۱۴۱۴ق، الامالی، قم، دارالتقافه.
- عاملی محمدبن حسن، ۱۴۰۹، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- قلیح‌لی، بهروز، ۱۳۸۸، مدیریت دانش، تهران، سمت.
- قمی، علی‌ابن ابراهیم، ۱۴۰۷، تفسیر، چ چهارم، قم، دارالکتاب.

کراجکی، محمدبن علی، ۱۴۱۰، کنز الفوای، قم، دارالذخایر.

کلینی، محمد، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دارالحدیث.

لیثی الواسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحدیث.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، چ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

مرادی محمد، ۱۳۹۴، «الگوی مفهومی سرمایه معنوی در پرتو تعالیم قرآنی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ص، ۶۱-۶۱.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، مجموعه آثار، چ سوم، صدرا.

معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، چ چهارم، تهران، امیرکبیر.

مهرمنش حسن و محمد امینی، ۱۳۹۱، سرمایه فکری، مانویس، ش ۳۹، ص ۳۶-۳۱.

نصرتی عبدالله، ۱۳۸۵، انسان از دیدگاه اسلام، چ سیزدهم، دانشگاه پیام نور.